

ترجمه مارلین آراین

• ویتنی آرماند

فلسفه رسانه‌های جهانی

عبارت «فلسفه رسانه‌ها» در واقع ممکن است که هدف مورد نظر در این نوشته را تبیین نکند. تلاش ما، اتای یک فلسفه صحیح - عشق به خرد یا دانش - و یا طرح اصولی که از طریق آنها رسانه‌ها رأساً بر امور خود حاکم باشند، نیست بلکه هدف مورد نظر ما توصیف رابطه‌ای است که میان حکومت و روزنامه‌نگاری وجود دارد و در آن، توازن قدرت همواره دستخوش تغییر و تحول می‌شود. یکی از مسائل بفرنجی که توجه فلاسفه را به خود معطوف داشته است تعیین مرز میان آزادی و تحدید آن است، در کدام مرحله تهدید و فشار به طور مشروع برای تعیین و حدود رفتار مجاز اعمال می‌شود؟

قانع‌کننده‌ای در مورد چاپ بدون مجوز در مجله آرثوپاگیتیکا مطرح ساخت. در همان احوال سلاطین حاکم با پی‌بردن به خطرات ضمنی ارتباط جمعی اقدام به نظارت بر چاپ کردند. صحنه رویارویی میان آنان و آزادیخواهان مشخص گردید و نیروهای دو طرف صفا‌آرایی کردند. در نبردی که بین سرکوب مستبدانه بیان و آزادی بیان درگرفت و تا امروز ادامه دارد هنوز حریف فاتح مشخص نشده است.

نشانه‌شناسی چهار نظریه

در سال ۱۹۵۶، فرد سایبرت، تئودور پیترسن، و ویلیام شرام در صدد برآمدند تا به توصیف تضاد دولت و مطبوعات و به گفته آنان «نظام نظارت اجتماعی که تنظیم‌کننده روابط افراد و نهادهاست» پردازند (جدول ۱ نمایانگر نشانه‌شناسی نظرات آنان است). کتاب موجز آنان با نام چهار نظریه مطبوعات، تأثیر ژرفی بر نسلی‌های متوالی از محققان و کارورزان ارتباط جمعی بر جای گذارد و هنوز هم به‌طور مرتب مورد مراجعه قرار می‌گیرد. در یکی از مقاله‌های این کتاب تحت عنوان «طرفداران استبداد، طرفداران آزادی، مسؤولیت اجتماعی، و مفاهیم اتحاد جماهیر شوروی کمونیست در مورد ماهیت و وظیفه مطبوعات» این بحث مطرح شده است که در واقع تنها دو نظریه وجود

حاکمان و روزنامه‌نگاران قائل به مرزبندی‌های گوناگون هستند و توجهات مختلفی برای این امر ارائه می‌دهند در این نوشته به بررسی برخی از عقاید و اصول مربوطه به این زمینه می‌پردازیم زیرا که این اصول به اندازه حامیانشان متنوع هستند. از این‌رو، از یک سر آن دسته از نظریه‌های مربوط به تحدید را که طرفدار محدودیت آزادی رسانه‌ها هستند، مطرح می‌کنیم و از سوی دیگر به شرح مبانی و اصولی می‌پردازیم که برطبق آنها رسانه‌های جمعی خواستار رهایی از این محدودیتها می‌شوند. از آنجا که مبانی و نظریات فراوان از این قبیل وجود دارد ما به بررسی هریک از آنها و تعیین روابط پیچیده میان آنها و اشکال مختلف آنها در سرتاسر جهان می‌پردازیم.

زمانی که یوهان گوتنبرگ در اوایل قرن پانزدهم «چاپ دستی» را در اروپا معرفی کرد در واقع تولید انبوه و نسبتاً ارزان قیمت حروف چاپی را میسر ساخت و بنا به گفته برخی از افراد راه انتشار عقاید نادرست را در سرتاسر جهان هموار کرد. همچنین این نکته مورد بحث قرار می‌گیرد که اختراع گوتنبرگ موجب شد تا حقیقت وارد عرصه زندگی شود و مقولات کاذب را به مقابله بخواند. اما چه کسی می‌دانست که حقیقت وقتی که در رویارویی آزاد و آشکار با زشتی قرار گیرد وضعیت بدتری پیدا می‌کند؟ جان میلتون، دو قرن پس از اختراع گوتنبرگ بحثهای

دارد که همانا نظریه‌های طرفداری از استبداد و طرفداری از آزادی هستند، و دو مفهوم دیگر صرفاً به بسط یا تعدیل این دو نظریه می‌پردازند.

● اصل طرفداری از استبداد

نظریه طرفداری از استبداد، قدیمی‌ترین نظریه‌ای است که در عصر گوتنبرگ ظهور کرد. در جامعه آن روز، حقیقت برای حکام آشکار می‌شد و آنان به نوبه خود، آن حقیقت را از طریق مطبوعات میان توده‌ها منتشر می‌کردند. به عبارت دیگر، وظیفه مطبوعات، انتقال مطالب مورد توجه حکام به مردم بود. در چنین نظامی، مطبوعات طبعاً موظف بودند که بر تحریف واقعیت صحه گذارند. پادشاه یا ملکه از هرگونه مبارزه علیه تحریف حقایق ممانعت می‌کردند و لذا وجود مطبوعات، علی‌رغم مجاز بودن مالکیت خصوصی، منوط به اختیارات سلطنت بود. چنین مجوزی ممکن بود با تغییر عقیده ناگهانی سلطان فسخ گردد و سانسور اعمال شود. از این‌رو مطبوعات در حکم مستخدم دولت بودند. این نقش مطبوعات به لحاظ اینکه پیامد منطقی فلسفه حقوق الهی یا قدرت مطلق سلطان به‌شمار می‌رفت، غیرقابل اعتراض بود. اکنون اگرچه عصر سلاطین رو به زوال است، اما نظریه تحدید مستبدانه هنوز از میان نرفته است. استبدادگرایی هنوز در کشورهایی که در آنها حاکمان قدرتمند از موضع قدرت عمل می‌کنند وجود دارد.

● نظریه طرفداری از آزادی فردی

طبق تعریف سایبرت، پیترسن، و شرام، و شرح نظام کنترل اجتماعی گرایش به آزادی در دو قطب طیف مورد بحث قرار می‌گیرد. طبق نظریه طرفداری از آزادی فردی، مردان و زنان تنها دریافت‌کنندگان منفعل حقیقت یعنی آنچه مورد نظر حاکم است نیستند بلکه انسانهای منطقی هستند که ذاتاً قادر به تشخیص واقعیت از کذب هستند و بعلاوه، هرکدام از آنان می‌تواند از حق «جست‌وجو برای یافتن حقیقت» برخوردار باشد. با توجه به اینکه نقش رسانه‌ها، همکاری با افراد در کشف حقیقت است، لذا رسانه‌ها در نظام طرفدار آزادی فردی از حکومت تبعیت ندارند بلکه به صورت مستقل و خودمختار عمل می‌کنند و بدون ترس از مداخله حکومت، آزادانه به بیان آرای جدل‌برانگیز می‌پردازند. اندیشه برتری بیان و تأثیر ویرانگر سانسور از سوی جان میلتون که یکی از فلاسفه طرفدار آزادی فردی است در آرموپاگیتیکا به زبان فصیحی مطرح شده است: «کسی که فردی را می‌کشد، موجود منطقی را که در واقع تجلی و تجسم خداست می‌کشد، اما کسی که کتاب خوبی را از بین می‌برد هم منطقی و هم تجلی خدا را فنا می‌کند».

اندیشه طرفداری از آزادی فردی مبین آن است که انسانها به‌عنوان موجودات منطقی باید در جست‌وجو برای یافتن حقیقت، آزاد باشند و رسانه‌ها در انجام این مهم مشارکت کنند. از آنجا که ممکن است حکومت گهگاه موانعی را در مسیر چنین جست‌وجو به‌وجود آورد، رسانه‌ها در نظام مورد بحث باید قادر به جلوگیری از اجرای چنین اقداماتی از سوی حکومت باشند. این وظیفه رسانه‌ها موسوم به نقش



پاسداری است. از سوی دیگر، رسانه‌ها از طریق «فوایند خوداصلاحی حقیقت» کنترل می‌شوند روند خوداصلاحی در سال ۱۹۱۵ در نوشته‌های اولیور وندل هلمز، قاضی دادگاه عالی ایالات متحده توصیف شده و نمایانگر نقطه‌نظرات متفاوت اوست: «معتبرترین ملاک حقیقت، قدرت تفکری است که در رقابت بازار قبولانده می‌شود». البته مفهوم بازار آزاد عقاید، ایجاب می‌کند که همه مردم، اعم از گروههای اقلیت و اکثریت، برای پیشبرد مکتب طرفداری از آزادی فردی، به رسانه‌ها دسترسی یابند.

جدول ۱. نشانه‌شناسی نظرات سایبرت، پیترسن و شرآم

مسئولیت اجتماعی	اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی	طرفدار آزادی	طرفدار استبداد
<ul style="list-style-type: none"> در اواسط قرن ۲۰ در ایالات متحده ظهور کرد، برخاسته از سنت طرفداری از آزادی. نشأت یافته از نوشته‌های کمیسیون آزادی مطبوعات و سایر منتقدین مطبوعات آزادی طلب. هدف: عمدتاً اطلاع‌رسانی و آموزش، کمک به پیشرفت اجتماعی. مطبوعات در اختیار افرادی است که سخنی برای گفتن دارند. مسئولیت اجتماعی مطبوعات مهمتر از آزادی آن است. تحت کنترل افکار عمومی و کنش مصرف‌کننده، و اصول اخلاقی شورای مطبوعات است. انتشار اطلاعاتی که از نظر اجتماعی زیانبار است و نیز تخطی از حقوق خصوصی ممنوع است. مالکیت، خصوصی است اما تهدید مداخله دولت به منظور تضمین خدمات عمومی نیز مطرح می‌شود. نمونه‌های کنونی: بسیاری از کشورها. 	<ul style="list-style-type: none"> در اوایل قرن ۲۰ ظهور کرد. نشأت یافته از عقاید مارکس و لنین. هدف: حمایت از نظام مارکسیست و خدمت به مردم. مالکیت مطبوعات از لحاظ نظری در دست مردم است که از آن بهره می‌برند. رسانه‌ها از سوی حزب کمونیست و دستگاه حکومتی کنترل می‌شوند. رسانه‌ها حق انتقاد از اهداف دولت را ندارند. مالکیت رسانه‌ها در دست مردم است. مطرح شده از سوی مارکس، لنین، استالین، مائو، کاسترو، گورباچف. نمونه‌های کنونی: شوروی [سابق]، چین، کوبا. 	<ul style="list-style-type: none"> دو اواخر قرن ۱۷ در انگلستان پدیدار شد و در سطح امریکا و اروپا گسترش یافت. نشأت یافته از روشنگری فکری، تفکر و حقوق طبیعی. هدف: کمک به یافتن حقیقت، اطلاع‌رسانی، تفسیر، سرگرمی. خودرأیی سردبیر، جدایی دولت از مطبوعات. نظارت بر رسانه‌ها از طریق مالکان در بازار آزاد عقاید و از طریق دادگاهها. منع انتشار پیش از انتشار وجود ندارد. مالکیت خصوصی است. پیشروان: لاک، میلتون، میل، آدام اسمیت. نمونه‌های کنونی: ژاپن، آلمان. 	<ul style="list-style-type: none"> در قرن ۱۶ و ۱۷ در اروپا پدیدار شد. نشأت یافته از قدرت مطلق سلطان. هدف: حمایت از دولت و رهبری. مجوز، سانسور، قدرت استبدادی، قوانین. هرگونه تهدید یا انتقاد از ساختار قدرت غیرمجاز است. تحت مالکیت حاکم، حزب، یا اشخاص خصوصی است. پیشروان: هابز، هگل، ماکیاولی. نمونه‌های کنونی: پاراگوئه، نیجریه.

مأخذ: Frederick S. Siebert, Theodore Peterson, Wilbur Schramm, *Four Theories of the Press* (U.S.A: University of Illinois Press, 1956)

● **مسئولیت اجتماعی**

می‌پردازد عمل کنند در حالی که مطبوعات در مکتب طرفدار آزادی فردی باید بر حکومت نظارت کنند. ضمناً نظریه طرفدار آزادی فردی متضمن این نکته است که رسانه‌ها در دسترس تمام افرادی که امکانات اقتصادی مورد نیاز را در اختیار دارند قرار گیرند. نظریه مسئولیت اجتماعی مبتنی بر این است که هر شخصی سخنی برای گفتن دارد حق استفاده از رسانه‌ها را نیز پیدا می‌کند. سؤمین وجه تمایز دو نظریه مورد بحث آن است که مطبوعاتی که به مسئولیت اجتماعی توجه دارند از سوی افکار جامعه و اکانش مصرف‌کننده، و اصول اخلاقی - حرفه‌ای کنترل می‌شوند در حالی که مطبوعات پیرو اندیشه آزادی فردی، برای اصلاح خود متکی بر بازار آزاد افکار هستند. در کمیسیون هاتکینز (۱۹۴۷) نظر بر این بود که چنانچه مطبوعات به مسئولیت‌های اجتماعی خود واقف نباشند و بدانها جامعه عمل نپوشانند، باید از سوی سازمان خاصی موظف به رعایت این مهم گردند. کمیسیون مذکور پیشنهادی مبنی بر ایجاد یک نمایندگی مستقل ارائه کرد که در آن عملکرد مطبوعات بررسی می‌شود و گزارشهای سالانه ارائه می‌گردد.

علی‌رغم تخطی دست‌اندرکاران رسانه‌ها از توصیه‌های کمیسیون هاتکینز، اقداماتی چند جهت ایجاد مطبوعاتی که مسئولیت اجتماعی بیشتری را برعهده گیرند به عمل آمده است. مثلاً بسیاری از قواعد اخلاقی از سوی مطبوعات پذیرفته شده‌اند، صفحه عقاید و نظرات جهت همکاری خوانندگان به روزنامه‌ها اضافه شده است، برنامه‌های متمایل به آرای مصرف‌کنندگان به‌طور منظم در تلویزیونهای محلی و

مفهوم بازار آزاد در سال ۱۹۱۹، یعنی زمانی که هلمز آرای مخالف خود را در کتاب *آبرامز* به رشته تحریر درآورد، در مقایسه با بیست و پنج سال بعد، یعنی هنگامی که کمیسیونی جهت رسیدگی به وضع آزادی رسانه‌ها تشکیل شد، به واقعیت نزدیکتر بود. کمیسیون مزبور که به ریاست رابرت ام هاتکینز، مشاور دانشگاه شیکاگو، تشکیل شد، مشخص کرد که آزادی مطبوعات به سبب وجود زمینه رو به گسترش انحصارطلبی به مخاطره افتاده است. زیرا که معدودی از مالکان، کنترل‌کننده مجراهای بسیار زیادی هستند. تمرکز زیاد مالکیت نتیجه هزینه‌های رو به افزایش چاپ و نشر تکنولوژی بود و لذا افراد کمتری به مجراهای ارتباطی دسترسی می‌یافتند. به پیشنهاد این کمیسیون، صاحبان رسانه‌ها باید مسئولیت مهمتری را در قبال جامعه متقبل می‌شدند و امکان دسترسی آزاد به مواردی از قبیل حق پاسخگویی را فراهم می‌کردند. اعضای کمیسیون ناخشنودی خود را از قدرت رو به گسترش صاحبان و مدیران رسانه‌ها در کنترل اطلاعات که بی‌شباخت به رفتار حاکمان مستبد عصر گوتنبرگ بیست ابراز کردند.

طبق نظر سایبرت، پیترسن و شرآم، این نارضایتی شالوده نظریه مسئولیت اجتماعی را تشکیل می‌دهد که این نظریه خود حالت تعدیل شده و یا تکامل یافته مکتب طرفدار آزادی فردی به‌شمار می‌رود. وجه افتراق نظریه مسئولیت اجتماعی با منشأ آن در این است که مطبوعات باید به‌عنوان رسانه‌ای که به شرح و توصیف تضادها

شبکه‌ای به نمایش گذاشته می‌شوند و بالاخره یک شورای ملی در سال ۱۹۷۳ جهت رسیدگی و قضاوت در مورد شکایات استفاده‌کنندگان رسانه‌ها، و برحسب ضرورت جهت دفاع از آزادی رسانه‌ها تشکیل شد. شورای خبری پس از حدود یک دهه فعالیت به دلیل فقدان حمایت و سرمایه‌گذاری رسانه‌ها منحل گردید، اما سازمانهای مشابهی هنوز در سطوح شهری و کشوری به فعالیت می‌پردازند.

● اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی [سابق]

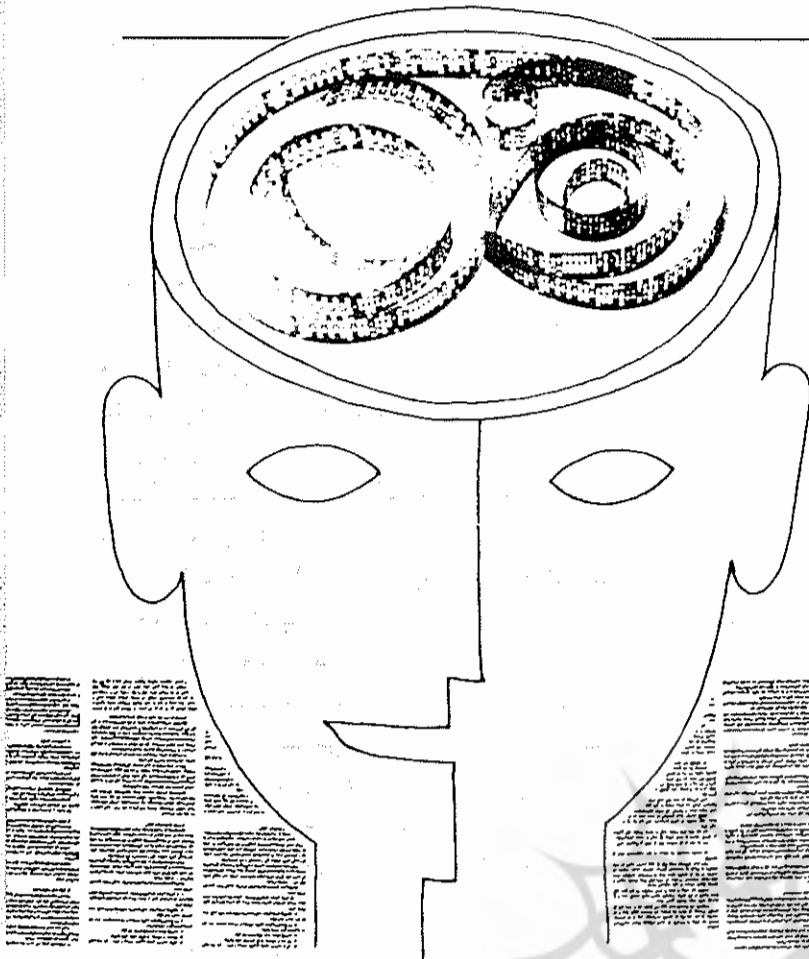
آخرین مفهومی که در کتاب چهار نظریه مطبوعاتی بیان شده است، عملکرد اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی است. طبق نظر سایبرت، پیترسن، و شرام، همانطور که مفهوم مسئولیت اجتماعی حالت تعدیل‌شده نظریه طرفداری از آزادی فردی محسوب می‌گردد، مفهوم رایج در شوروی کمونیست نیز از استبدادگرایی نشأت می‌گیرد. مطبوعات کمونیستی شوروی نظیر مطبوعات رژیمهای استبدادی در خدمت حزب حاکم هستند اما برخلاف مطبوعات نظامهای مستبد در مالکیت دولت قرار دارند. به نظر سایبرت، پیترسن، و شرام، سایر تفاوت‌های نظام دیکتاتوری شوروی و ریشه‌های آن با نظام استبدادی عبارت است از:

۱. نظام شوروی انگیزه سود را از میان می‌برد در حالی که نظام استبدادی این انگیزه را حفظ می‌کند.
۲. نظام شوروی بر اجرای برخی از وظایف مطبوعات تأکید می‌ورزد در حالی که نظام استبدادی انجام برخی از وظایف را منع می‌کند.
۳. مطبوعات شوروی باید در انجام تغییرات همکاری کند اما مطبوعات نظام استبدادی مسؤول حفظ وضعیت موجود هستند.
۴. رسانه‌های شوروی در نظام ارتباط جمعی تلفیق می‌یابند اما رسانه‌های حکومت استبدادی «شخصیتهای» منفرد را حفظ می‌کند.

کنترل از پیش تعیین‌شده دولت در نظریه شوروی باعث می‌شود که افراد آشنا به نظام طرفدار آزادی فردی چنین نتیجه بگیرند که مطبوعات شوروی قربانی طرز تلقی برده‌داری هستند با آنکه فعالیت مطبوعات در نظام طرفدار آزادی فردی در جوی آزاد صورت می‌پذیرد، اما اصول عقاید مارکسیسم خلاف آن را صحیح می‌پندارد. به اعتقاد روسها، مطبوعات این کشور در بیان حقایق آزادند در حالی که عملکرد مطبوعات نظام به اصطلاح طرفدار آزادی فردی تحت کنترل منافع تجاری قرار دارد.

● سایر الگوها

شناسه‌شناسی سایبرت، پیترسن، و شرام تأثیرات شگرف و عمیقی به همراه داشته است. جان میل در کتاب دیالکتیک در مطبوعات (۱۹۸۹) می‌نویسد: «تقریباً هر مقاله و کتابی که درباره مبانی فلسفی روزنامه‌نگاری نوشته شده است به آن کتاب ارتباط می‌یابد، آن را تفسیر می‌کند، و یا از آن نقل قول می‌کند». لیکن زمان بر کتاب چهار نظریه مطبوعات پیشی جسته است. دیگر نمی‌توان الگوی شوروی کمونیست



را به دقت تشریح کرد. ضمناً نظامهای مختلفی از قبیل نظریه انقلابی مطبوعات که پس از انتشار کتاب مزبور در سال ۱۹۵۶ ظهور کرده است در آن کتاب مطرح نشده‌اند. همین امر موجب شد تا برخی از محققان ارتباط جمعی، فلسفه‌های رسانه‌های جهانی را به گونه‌ای دیگر ارائه دهند.

رالف لوونشتاین

در سال ۱۹۷۱، رالف لوونشتاین نشانه‌شناسی چهار نظریه را مورد بازنگری قرار داد زیرا که به عقیده وی نمونه‌ای که سایبرت، پیترسن و شرام ارائه داده بودند انعطاف‌ناپذیر بود، و انگهی همه نظامهای مطبوعاتی را دربر نمی‌گرفت. لوونشتاین در کتاب رسانه‌ها، پیامها، و مردم (مریل و لوونشتاین، ۱۹۷۱) یک رویکرد دو سویه را پیشنهاد کرد که انواع مالکیت و نیز فلسفه مالکیت را تبیین می‌کند. به‌طور مثال، رسانه‌ها ممکن است تحت مالکیت خصوصی درآیند و هزینه‌هایشان از طریق تبلیغات و حق اشتراک تأمین گردد، یا ممکن است متعلق به احزاب سیاسی رقیب باشند و از پرداخت کمکی حاصل از وجوه مالی حزب و یا اعضای حزب استفاده کنند، رسانه‌ها ممکن است تحت مالکیت دولت باشند و از وجوه خزانه یا امتیازهای دیگر بهره‌مند شوند. لوونشتاین با توجه به فلسفه مطبوعات، اصطلاحات، «گرایش به استبداد» و «گرایش به آزادی» و معانی آنها را که از نمونه سایبرت، پیترسن، و شرام استنباط می‌شوند، حفظ کرد. اما دو اصطلاح دیگر را به

<p>● مالکیت مطبوعات</p> <p>۱. خصوصی: مالکیت در دست افراد یا شرکتهای غیردولتی است و هزینه‌های آن از طریق تبلیغات یا اشتراک تأمین می‌شود.</p> <p>۲. چندحزبی: مالکیت در دست احزاب سیاسی رقیب است و از پرداخت کمکی حزب یا اعضای حزب برخوردار می‌شود.</p> <p>۳. دولتی: مالکیت در دست حکومت یا حزب حاکم در کشور است و اساساً از محل سرمایه‌گذاری دولت یا امتیازهای دولتی تأمین مالی می‌شود.</p>
<p>● فلسفه‌های مطبوعات</p> <p>۱. استبدادگرایی: وجود مجوز یا سانسور حکومت برای سرکوب انتقادات و حفظ موقعیت برگزیدگان حاکم.</p> <p>۲. استبدادگرایی اجتماعی: مالکیت متعلق به حکومت و حزب حاکم به منظور کنترل مطبوعات و قرار دادن آنها در جهت اهداف اقتصاد ملی و فلسفی.</p> <p>۳. آزادی‌گرایی: فقدان کنترل حکومت (بجز قوانین مربوط به حداقل انترنا و توهین) و تضمین بازار آزاد افکار و روند خرداصلاحی.</p> <p>۴. آزادی‌گرایی اجتماعی: حداقل کنترل حکومت جهت رفع موانع موجود در مجراهای ارتباطی و تضمین بعد عملی فلسفه آزادی‌گرایی.</p> <p>۵. تمرکزگرایی اجتماعی: مالکیت، متعلق به حکومت یا عموم است. تعداد محدودی از مجراهای ارتباطی متضمن بعد عملیاتی فلسفه آزادی‌گرایی هستند.</p>

مأخذ: John c. Merrill, Rlph Lowenstein, *Media, Messages, and Men* (New York: Longman, 1979), P. 164.

■ **طبق نظریه طرفداری از آزادی فردی، مردان و زنان تنها دریافت‌کنندگان منفعل حقیقت یعنی آنچه مورد نظر حاکم است، نیستند بلکه انسانهای منطقی هستند که ذاتاً قادر به تشخیص واقعیت از کذب هستند و به علاوه هر کدام از آنان می‌توانند از حق «جست‌وجو برای یافتن حقیقت» برخوردار باشند.**

بسته قرار می‌گیرند. (شکل شماره ۱ دیده شود). در این الگو، چهارنظریه مذکور به دونظریه (به انضمام تمام اصلاحات مربوط به نظریه‌های موسوم به استبدادگرا یا آزادی‌گرا) تقلیل می‌یابند. به نظر می‌رسد که این دونظریه وابسته به یکدیگرند به این ترتیب که فاصله میان آزادی تا تمرکز قدرت در دولت مرکزی ممکن است از هر دو طرف طی شود. چپگرایی از طریق سوسیالیسم یا راستگرایی از طریق کاپیتالیسم.

ویلیام هاختن

ویلیام هاختن نخستین تغییرات مهم را - نظیر آنچه در سال ۱۹۵۶ پیشنهاد شد - در الگوی چهارنظریه‌ای ایجاد کرد. (الگوهای لوونشتاین و مریل روی هم رفته فشرده نشانه‌شناسی مقدماتی سایبرت، پیترسن، و شرام به‌شمار می‌روند). هاختن در کتاب مشهور خیرهای جهان (۱۹۸۱) نشانه‌شناسی را متشکل از پنج مفهوم پیشنهاد کرد که در

گونه‌ای اصلاح کرد که بار القایی نظریه‌های مذکور از میان برداشته شود. اصطلاح «اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی» مبدل به اصطلاح تمرکزگرایی اجتماعی شد تا ارزشهای منفی اصطلاح نخست از بین برود و دامنه معنایی آن بسط و گسترش یابد. اصطلاح «اجتماعی» معرف گرایش نظام کمونیستی به اصول اشتراکی است و اصطلاح «تمرکزگرا» ماهیت هدایت‌شده و متمرکز نظامهای مطبوعاتی مارکسیستی را تداعی می‌کند. اصطلاح مسؤولیت اجتماعی به مفهوم طرفداری از آزادیهای فردی-اجتماعی مبدل شد و در نتیجه ابهامات موجود در اصطلاح نخست برطرف گردید و ریشه‌های این نظریه که در نظریه طرفداری از آزادی فردی نهفته است بیشتر پدیدار گشت. اصطلاح جدید حاکی از آن است که تنظیم و تعدیل عملکرد رسانه‌ها جهت تضمین منافع عمومی شاید ضروری باشد.

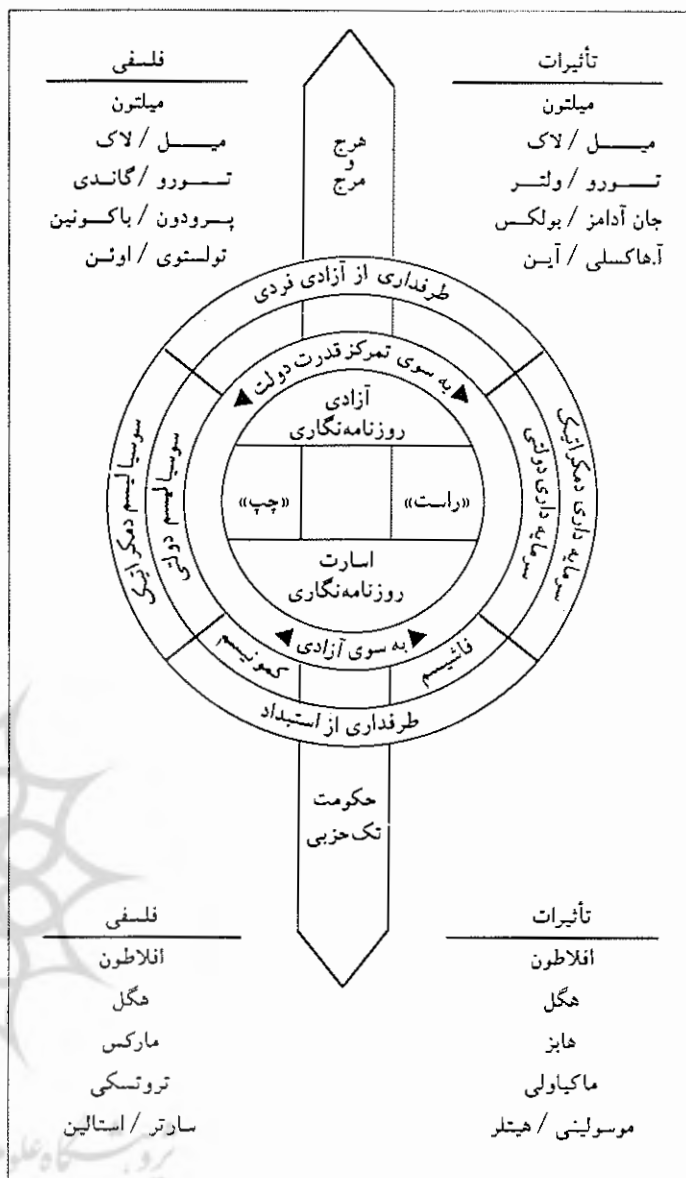
لوونشتاین در سال ۱۹۷۹ فهرست فلسفه‌های مطبوعاتی خود را در چارچوب دوم کتاب رسانه‌ها، پیامها، و مردم (مریل و لوونشتاین، ۱۹۷۹) مورد تجدیدنظر قرار داد. این فهرست مطابق آنچه در جدول ۲ آمده است تجدید چاپ شد. در این جدول تمرکزگرایی اجتماعی مبدل به استبدادگرایی اجتماعی شده است و ارتباط نظامهای مطبوعاتی کشورهای بلوک شرق با فلسفه استبدادگرایی هرچه بیشتر آشکار گشته است. پس از این مرحله، لوونشتاین اصطلاح پنجم «تمرکزگرایی اجتماعی» را ضمیمه فهرست خود کرد. این اصطلاح را نباید با اصطلاح مشابهی که لوونشتاین قبلاً در تبیین نظامهای کشورهای بلوک شوروی به کار برده بود، اشتباه کرد. در نظامهای مطبوعاتی تمرکزگرایی اجتماعی مالکیت دولتی یا عمومی رسانه‌ها «تضمین‌کننده روح علمی فلسفه طرفداری از آزادی فردی» به‌شمار می‌رود.

در کتاب جدید لوونشتاین به نام رسانه‌های کلان: مأموریت، پیام، و اخلاق (لوونشتاین و مریل ۱۹۹۰)، لوونشتاین به‌طور کامل این نشانه‌شناسی را تشریح می‌کند که اساس آن هیچ تغییری نکرد ولی در رو ساخت آن اصلاحاتی انجام داد.

جان مریل

جان مریل الگوی لوونشتاین را «پیچیده‌تر و واقع‌بینانه‌تر» از الگوی سایبرت، پیترسن و شرام، اما اساساً منسوخ می‌داند زیرا که مفهوم طرفداری از آزادی فردی - اجتماعی لوونشتاین از نظر منطقی دچار تناقض است. مریل در کتاب *اقتدار آزادی* (۱۹۴۷) به این بحث می‌پردازد که یک فلسفه واحد نمی‌تواند طرفدار آزادی فردی (به معنای آزاد) و در عین حال جهت‌دار (یعنی کنترل شده) باشد. به نظر او، خصیصه مشترک دیگری نیز در الگوهای لوونشتاین و سایبرت، پیترسن، و شرام به چشم می‌خورد و آن طیفی است که گرایش به استبداد و گرایش به آزادی در دو سوی آن قرار می‌گیرند. طبق نوشته‌های مریل این طرح الگوی «خانه‌بندشده»‌ای است که در آن نظام رسانه‌ها به‌طور دوجانبه منحصر به فرد و مستقل است. مریل در جای دیگر الگوی «چرخه مطبوعات سیاسی» را مطرح می‌کند که در آن، گرایش به آزادی در بالاترین نقطه و گرایش به استبداد در پایین‌ترین نقطه یک مدار

شکل ۱. نشانه‌شناسی مریل: چرخه مطبوعات سیاسی



مأخذ: John c. Merrill, *The Imperative of freedom* (New York: Hastings House, 1974), P. 42.

برگیرنده ایدئولوژیهای استبدادگرایی و کمونیستی بود. وی مفاهیم طرفداری از آزادی فردی و مسؤولیت اجتماعی را در آنچه «مفهوم غربی» می‌نامید، ادغام کرد و دوتئوریه جدید موسوم به نظریه‌های انقلابی و تکاملی بر الگوی خود افزود (جدول ۳ دیده شود). هاختن در تعریف مفهوم انقلابی، آن را کاربرد ارتباطات جمعی غیرقانونی و مُخزب به‌منظور براندازی یک حکومت خاص می‌داند و ساموئل آدامز و توماس پین را از روزنامه‌نگاران انقلابی تاریخ ایالات متحده می‌شمارد، و *پراودا* را که در سال ۱۹۱۲ تأسیس شد «نمونه مناسبی از مفهوم انقلابی» می‌داند. (طبق تصور لنین، روزنامه قانونی، همچون حفاظ مناسبی برای تشکیلات انقلابی مورد استفاده قرار می‌گرفت). بنا به نظر هاختن استفاده از نوارهای ضبط صوت و تصاویر امام خمینی به‌وسیله

پیروان وی جهت سرنگونی حکومت شاه ایران یکی از نمونه‌های انقلابی معاصر به‌شمار می‌رود.

مفهوم تکاملی، گونه دیگری از نظریه استبدادگرایی به‌شمار می‌رود و مؤید نقش ارتباطات جمعی در امر سازندگی کشور است. طرفداران روزنامه‌نگاری تکاملی بر این عقیده‌اند که رسانه‌های جمعی باید بسیج شوند و در اجرای اموری چون رشد و تکامل اقتصادی، ریشه‌کن کردن بیسوادی، و آموزش سیاسی مشارکت کنند. همچنین رسانه‌ها باید حامی اقتدار باشند تا در امر سازندگی کشور خللی به‌وجود نیاید. به همین دلیل جریان اخبار به‌وسیله روزنامه‌نگاران خارجی باید تابع حق حاکمیت ملت باشد. از آنجا که اطلاعات از جمله منابع ملی به‌شمار می‌روند باید از آنها برای پیشبرد اهداف ملی بهره‌گرفت، بدین ترتیب حق بیان نیز به حکم ضرورت از این اهداف تبعیت می‌کند.

جی.هربرت آلتشول

جی.هربرت آلتشول با انتشار کتاب *عاملان قدرت* در ۱۹۸۴ از روزنامه‌نگارانی که در صدد رهایی از یوغ ایدئولوژی و انتقال به آن سوی هنجارهای متناقض حاکم بر فرهنگشان بودند قدردانی کرد. با توجه به این ارجگذاری جای تعجب نیست که آلتشول علی‌رغم رد اصطلاحات فنی به‌کار رفته در کتاب چهار نظریه مطبوعاتی آنها را مملو از ارزش می‌داند. در نشانه‌شناسی آلتشول برابریهای اقتصادی تعدیل یافته مطابق با عناوین سیاسی جهان اول، دوم و سوم انتخاب شده‌اند. بدین ترتیب که جهان اول یا جهان غرب مبدل به حرکت «بازار» جهان دوم یا جهان شرق مبدل به «حرکت مارکسیستی» و جهان سوم یا جهان جنوب مبدل به حرکت «در حال ترقی» می‌شود. (جدول ۴ دیده شود).

آلتشول این سه حرکت را از دیدگاه مبانی اعتقادی و آرایی بررسی می‌کند که بیش از حد تند و افراطی هستند، سپس آنها را از جنبه منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. آلتشول عقیده روزنامه‌نگاران غربی (بازار) را مبنی بر رهایی مطبوعات از مداخله تبلیغات‌کنندگان و سایرین به‌عنوان مثالی از این دست مطرح می‌کند. در درون جنبش مارکسیستی، معتقدان واقعی قویاً بر این باورند که مطبوعاتشان دارای جنبه آموزشی هست نه تبلیغاتی. آلتشول اعتقاد روزنامه‌نگاران جنبش رو به ترقی را جالب توجه می‌داند. این روزنامه‌نگاران معتقدند که روزنامه ابزار ارتباط دوسویه یا گفت‌و شنود به‌شمار می‌رود. روزنامه‌نگاران بازار با آنکه قائل به حق آگاهی عمومی هستند اما به عقیده آنان، خواننده حق ندارد به روزنامه‌نگار بگوید چه چیز را می‌خواهد بداند. به عبارت دیگر، آلتشول معتقد است که روزنامه‌نگاران بازار حق دارند به خواننده بگویند که حق دانستن چه چیزها را دارد. در عین حال، روزنامه‌نگاران جهان مارکسیست این پندار واهی را که رسانه‌های خبری نیاز توده را با انتشار نامه‌های سردبیر تأمین می‌کنند، می‌پذیرند.

طبق یافته‌های آلتشول، سه جنبش مورد بحث، دیدگاههای کاملاً متفاوتی از آزادی مطبوعات را ارائه می‌کنند. مثلاً از نظر روزنامه‌نگار بازار، مطبوعات آزاد تابع قدرت نیستند، از نظر روزنامه‌نگار مارکسیست

جدول ۳. نشانه‌شناسی پنج مفهومی هاختن

نوع	کنترل	سیاست	نمونه‌ها
• استبدادگرا	دولتی و خصوصی تابع دولت.	فعالیت رسانه‌ها منوط به عدم انتقاد از رژیم یا مخالفت است: سانسور به‌طور ضمنی یا واقعی دیده می‌شود.	نخستین کشورهای اروپایی، دیکتاتوریهایی نوین در آفریقا، امریکای لاتین و سایر کشورها. ایالات متحده، بریتانیا، اروپای غربی، ژاپن.
• غربی (طرفدار آزادی فردی و مسؤولیت اجتماعی).	مالکیت خصوصی مطبوعات، نظامهای خبرپراکنی خصوصی و دولتی.	تأکید بر آزادی و رهایی از محدودیتهای حکومتی، تعهد نسبت به ایفای مسؤولیت.	اتحاد جماهیر شوروی و ملل کمونیست، اروپای شرقی، کوبا، چین.
• کمونیست	رسانه‌ها بخشی از حزب کمونیست یا حکومت هستند. مالکیت خصوصی وجود ندارد.	تأکید بر انتقال دیدگاهها و سیاستهای رسمی، تجهیز حمایت مردم از پیشرفت ملی.	رسانه‌های زیرزمینی غالباً در خارج از کشور، خواهان مستعمراتی در بخشهایی از آفریقا، هند.
• انقلابی	رسانه‌های غیرقانونی یا مخرب از سوی حکومت کنترل نمی‌شوند.	رسانه‌های زیرزمینی غالباً در خارج از کشور، خواهان براندازی حکومت خاصی هستند.	کشورهای غیرصنعتی و غیرکمونیست جهان سزم.
• تکاملی	حکومت و یا حزب همه رسانه‌ها را کنترل می‌کند.	سیع رسانه‌ها برای خدمت به اهداف ملی تلفیق سیاسی، مبارزه علیه فقر، بیماری و بیسوادی.	

مأخذ: William Hachten, *The World news Prism* (Ames: Iowa State University Press, 1981)

جدول ۴. نشانه‌شناسی آلتشول

بازار (جهان اول)	مارکسیست (جهان دوم)	رو به ترقی (جهان سوم)
روزنامه‌نگاران در صدد یافتن حقیقت هستند.	روزنامه‌نگاران در صدد یافتن حقیقت هستند.	روزنامه‌نگاران در خدمت حقیقت هستند.
روزنامه‌نگاران دارای مسؤولیت اجتماعی هستند.	روزنامه‌نگاران دارای مسؤولیت اجتماعی هستند.	روزنامه‌نگاران دارای مسؤولیت اجتماعی هستند.
روزنامه‌نگاران به شیوه غیرسیاسی اطلاع می‌دهند.	روزنامه‌نگاران به شیوه سیاسی آموزش می‌دهند.	روزنامه‌نگاران به شیوه سیاسی آموزش می‌دهند.
روزنامه‌نگاران بیطرفانه در خدمت مردمند و حامی سرمایه‌داری هستند.	روزنامه‌نگاران با حمایت از سوسیالیسم به مردم خدمت می‌کنند.	روزنامه‌نگاران با توسل به تغییر، در خدمت مردم و حکومت هستند.
روزنامه‌نگاران مراقب اعمال حکومت هستند.	روزنامه‌نگاران دارای افکار قالبی و رفتار متغیر هستند.	خدمت روزنامه‌نگاران به مثابه ابزار ایجاد صلح است.
مطبوعات به دور از مداخله‌های خارجی هستند.	مطبوعات آگاهی طبقاتی را به کارمندان آموزش می‌دهند.	مطبوعات متضمن اتحادند نه انفصال.
مطبوعات در صدد یافتن خبر و افشای حقیقتند.	مطبوعات در خدمت نیازهای مردمند.	فعالیت مطبوعات در جهت تغییر اجتماعی است.
مطبوعات به‌طور منصفانه و بیطرفانه گزارش می‌کنند.	مطبوعات ایجاد تغییرات مؤثر را تسهیل می‌کنند.	مطبوعات ابزار مبادلات دوطرفه‌اند.
مطبوعات آزاد به معنای آزادی روزنامه‌نگاران از کلیه نظارت‌های خارجی هستند.	مطبوعات گزارش‌های بیطرفانه از حقایق ارائه می‌کنند.	مطبوعات آزاد به معنای آزادی وجدان روزنامه‌نگاران است.
مطبوعات آزاد تابع یا تحت تأثیر قدرت نیستند.	مطبوعات آزاد منعکس‌کننده تمام افکار هستند نه فقط افکار متمسکان.	آزادی مطبوعات کم‌اهمیت‌تر از سازندگی کشور است.
مطبوعات آزاد برای حفظ آزادی نیاز به خط‌مشی ملی مطبوعات ندارند.	مطبوعات آزاد باید با سرکوب مبارزه کنند.	وجود خط‌مشی ملی مطبوعات برای حفظ آزادی ضروری است.
	مطبوعات آزاد ملزم به پیروی از خط‌مشی ملی هستند.	

مأخذ: J. Herbert Altschull, *Agents of Power* (White Plains, N.Y.: Longman, 1984)

طبقه‌بندی آلتشول، برخی از عقایدی را که روزنامه‌نگاران غربی مشتاقانه پذیرفته بودند باطل می‌شمارد و یا دست‌کم به مبارزه فرا می‌خواند. این روزنامه‌نگاران به ترویج این عقیده می‌پرداختند که در حقیقت عینی، ماحصل تلاش نیروهای کارگری است و تبلیغات و برده‌داری از خصایص روزنامه‌نگاری سایر کشورها به‌شمار می‌روند.

رابرت پیکارد

رابرت پیکارد در سال ۱۹۸۵ اصلاحات مهمی را در نشانه‌شناسی پنج‌گانه هاختن پیشنهاد کرد. وی در کتاب *مطبوعات و زوال دموکراسی* به این موضوع اشاره می‌کند که رویکرد سوسیال-دموکراسی باید در

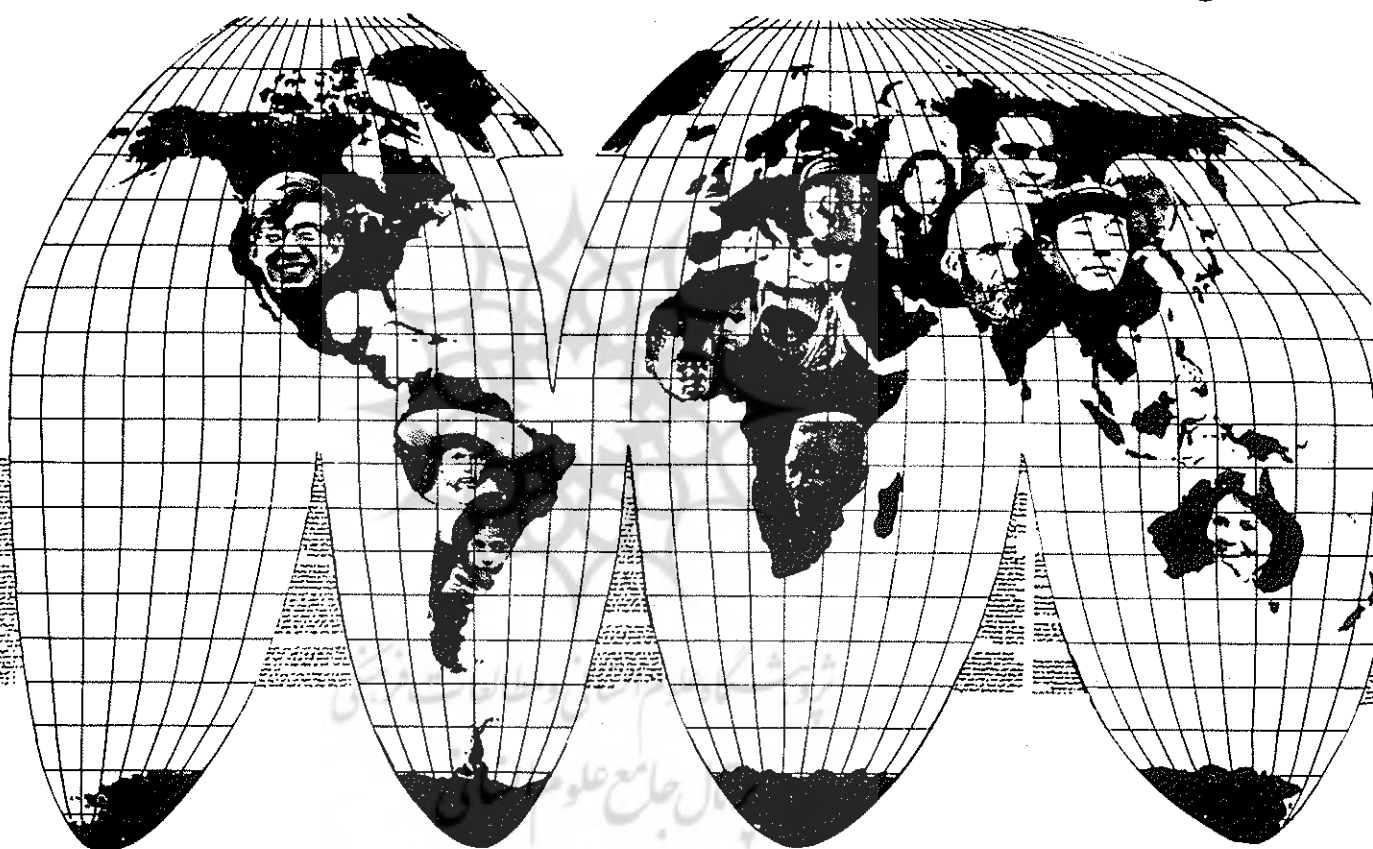
مطبوعات مخالف سرکوب هستند، اما از نظر روزنامه‌نگار جهان رو به ترقی، مطبوعات اهمیت چندانی نمی‌یابند و مسلماً کم‌اهمیت‌تر از حیات و رشد یک ملت هستند.

در مورد خط‌مشی ملی مطبوعات نیز وجوه تفرقی میان این سه جنبش دیده می‌شود. مثلاً طبق نظر آلتشول روزنامه‌نگاران بازار معتقدند که تضمین مطبوعات آزاد هیچگونه خط‌مشی مطبوعاتی را ایجاد نمی‌کند. روزنامه‌نگاران مارکسیست بر این باورند که خط‌مشی مطبوعات متضمن شکل صحیح مطبوعات آزاد است و روزنامه‌نگاران جنبش رو به ترقی معتقدند که خط‌مشی مطبوعات موجبات حفظ قانونی آزادی را فراهم می‌آورد.

مفهوم اخیر بسیار متفاوت از فلسفه‌های آزادی فردی و حتی مسؤلیت اجتماعی است و باید به شکل موجود، یعنی تحت عنوان نظریه ششم مطبوعات، شناخته شود. پیکارد در نوشته‌های خود تفاوت‌های اساسی نظریه‌های سنتی را چنین برشمرده است:

طبق نظریه سوسیالیست دموکراتیک، رسانه‌ها وسیله‌ای عمومی و در دسترس مردم تلقی می‌شوند که به وسیله آنها می‌توان به نشر و ترویج، عقاید، ستایش، یا انتقاد از دولت و جامعه پرداخت. در چنین نظامی، «رسانه‌ها در خدمت شهروندانند و فعالیتشان در جهت حمایت از حقوق اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی شهروندان صورت می‌گیرد». پیکارد در این الگو (شکل ۲ دیده شود) به تلفیق نظریه‌های سوسیالیست دموکراتیک و نظریه‌های آزادی فردی و مسؤلیت اجتماعی می‌پردازد و آنها را تحت عنوان «نظریه‌های غربی» یکجا مطرح

زیر طبقه مفهوم غربی قرار گیرد. یادآوری می‌شود که هاختن نظریه‌های طرفداری از آزادی فردی و مسؤلیت اجتماعی را تابع آنچه «نظریه غربی» می‌نامد می‌داند. بعلاوه، وی وجود نظریه‌های تکاملی و انقلابی را بدیهی دانست و خدمت بزرگی به اندیشه ادیبانه فلسفه رسانه‌های جهانی کرد. به اعتقاد او از آنجا که نظریه مسؤلیت اجتماعی صرفاً مشتق از مکتب طرفداری از آزادی فردی است، لذا کاملاً منطقی به نظر می‌رسد که دو نظریه مذکور تحت عنوان واحد «غربی» به یکدیگر مرتبط شوند (در واقع می‌توان دریافت که این دو تفکر هم‌اکنون در ایالات متحده در درون مجراهای واحد رسانه‌ها در کنار یکدیگر وجود دارند). پیکارد مفهوم سوسیالیست - دموکراتیک و نیز مفاهیم مسؤلیت اجتماعی و طرفداری از آزادی فردی را به عنوان ابعاد یکسان نظریه غربی مطرح می‌سازد.



می‌سازد. اما در همین جدول نظریه سوسیالیست - دموکراتیک را همراه با نظریه‌های انقلابی و تکاملی در گروه گرایشهای «متوازن یا نامشخص» و نظریه‌های آزادی فردی و مسؤلیت اجتماعی را در طبقه «گرایش به آزادی فردی» جای می‌دهد.

این طرح تشکیلاتی نمایانگر تنش است که به سادگی قابل برطرف شدن نیست و احتمالاً هرگونه تلاش جهت برطرف ساختن آن نیز راه به جایی نمی‌برد. ارتقای نظریه سوسیالیست دموکراتیک و همپایه کردن آن با نظریه‌های انقلابی و تکاملی اقدام منطقی‌تری به شمار می‌رود. همچنین امکان حذف سرفصل «غربی» نیز وجود دارد. این واژه بر سازمان صرفاً به لحاظ جغرافیایی تأکید می‌کند و به نحوی از انجا مبین

در نظریه سوسیالیست - دموکراتیک وجود مطبوعات همانند نظریه مسؤلیت اجتماعی این عقیده را مطرح می‌کند که رسانه‌ها باید صداهای مختلف را به گوش مردم برسانند. لیکن تفکر سوسیالیست - دموکراتیک که در اروپای غربی بسط و تکامل یافت دولت را مجاز می‌داند که برای تضمین حیات مستمر مطبوعات و تأمین توانایی شهروندان در استفاده از آنها، در امور اقتصادی و مالکیت رسانه‌ها دخالت داشته باشد. به نوشته پیکارد: «بالاخره در این نظام، مالکیت از طریق بنیادها، شرکتهای غیرانتفاعی، اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران و سایر سازمانهای اشتراکی، عمومی و غیرانتفاعی اجرا خواهد شد». در کتاب چهار نظریه مطبوعات به این موضوع اشاره می‌شود که

رابطه تنگاتنگ نظریه‌های طرفدار آزادی فردی و مسؤولیت اجتماعی است. بنابراین می‌توان عناوین مزبور را همپایه تلقی کرد. در نهایت می‌توان پسوند «گرای» را از عناوین «استبداد» و «آزادی»، و اصولاً هرآنچه در میان این اصطلاحات و عنوان «متوازن یا متوسط» قرار می‌گیرد حذف کرد. این‌گونه جرح و تعدیل ساده نشانه‌شناسی پیکارد نظام طبقه‌بندی «خانه‌ای» را حذف می‌کند و طیفی را به وجود می‌آورد که نمایانگر تغییر و تحرک موجود در این نظریات است و نه جمود آنها. طیف مورد بحث به جای حفظ ایستایی یک رابطه نظری و منحصرأ دوسویه، در یک زمینه پویا و زنده، متحول می‌شود. (این تغییر ساده همچنین طبقه‌بندی غیرمنطقی موجود در نشانه‌شناسی مذکور را که در آن استبداد تحت عنوان «استبدادگرایی» و آزادی تحت عنوان «آزادی

گرایی» مطرح می‌شود حذف می‌کند). با این حال شناخت نظریه سوسیالیست دموکراتیک علی‌رغم جریانات سازمانی و منطقی نشانه‌شناسی پیکارد، یکی از کاستیهای موجود را از میان برمی‌دارد. از میان کاستیهای موجود در تحقیقات علمی که مورد توجه قرار نگرفته است می‌توان به رابطه خبرپراکنی و رسانه‌های چاپی اشاره کرد. جهت‌گیری مطبوعات در این زمینه به شکلی است که گویی این دو مقوله با توجه به نظام کنترل تحمیلی دولت، تفکیک‌ناپذیرند. به‌طور مثال، هم محققان و هم متخصصان رسانه‌ها احتمالاً ایالات متحده را در طبقه آزادی‌گرا جای می‌دهند. اما این امر تنها در مورد رسانه‌های چاپی صادق است. رسانه‌های پخش خبر از زمان شکل‌گیری این صنعت، تابع قوانین گسترده و نسبتاً محدودکننده

شکل ۲. نشانه‌شناسی پیکارد

گرایش به آزادی فردی		متوازن یا معتدل		گرایش به استبداد	
طرفداری از آزادی فردی	مسؤولیت اجتماعی	تکاملی	انقلابی	کمونیست	استبدادگرا
سایبرت، پیترسن، شرام	سایبرت، پیترسن، شرام	هاختن	هاختن	سایبرت، پیترسن، شرام	سایبرت، پیترسن، شرام
<p>سوسیالیست دموکراتیک (پیکارد)</p> <p>در قرن بیستم در اروپای غربی ایجاد شد. از اندیشه مارکسیست و نوشته‌های فلاسفه لیبرال کلاسیک به‌وجود آمد. به‌منظور ایجاد شیوه‌های عمومی کردن آرای مختلف، و ارتقای دموکراسی در تمام زمینه‌های اجتماعی از جمله زمینه اقتصادی مطرح شد. مدیریت جمعی و قانون رسانه‌ها را کنترل می‌کند. تمام شهروندان حق استفاده از رسانه‌ها را دارا هستند. مداخله غیرضروری در حقوق افراد و سایر منافع اجتماعی شناخته‌شده ممنوع است. مالکیت عمومی (غیردولتی)، غیرانتفاعی، و (هم‌اکنون) خصوصی، مجاز است. تفاوت آن با سایر نظریه‌ها در این است که رسانه‌ها نباید بی‌جهت تحت کنترل حکومت و منافع اقتصادی یا اجتماعی قرار گیرند.</p>					

مأخذ: Robert G. Picard, *The Press and the Decline Democracy* (Westport, Conn: Greenwood Press, 1985).

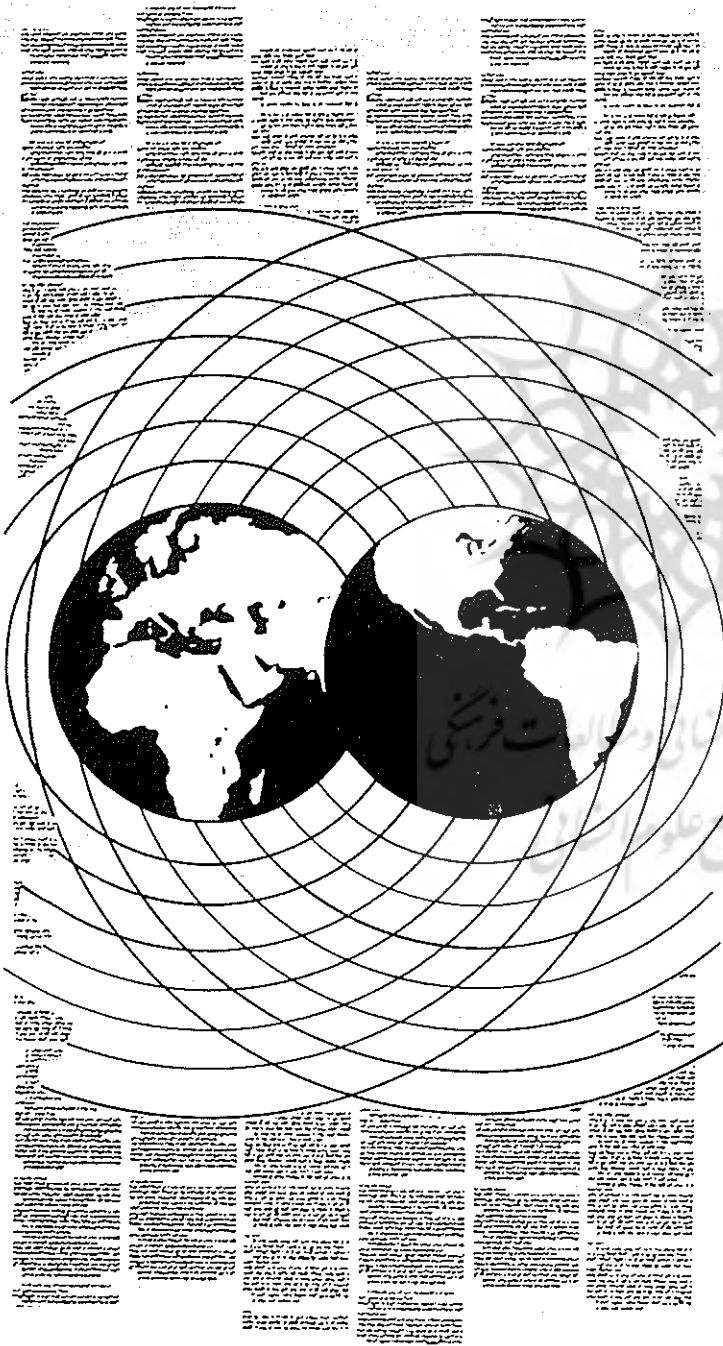
شده‌اند. عاملان انتشار خبر در ایالات متحده باید بدون احتساب هرگونه هزینه‌ای، به اشخاصی که شخصیت یا حقوق آنان مورد تعدی واقع شده است حق پاسخ‌دهی بدهند. این افراد، تحت شرایط خاص باید مناسبترین میزان زمان را در اختیار سیاستمداران قرار دهند. بخش برنامه‌های «نامناسب» و نه ضرورتاً «قبیح» در اوقات خاص روز ممنوع است. برخی از کالاهای تجاری نیز ممکن است تبلیغ نشوند. گویندگان باید مجوز حکومت را پیش از آغاز بخش خبر در اختیار داشته باشند و حکومت این اختیار را دارد که پس از ارائه مجوز آن را پس بگیرد و بخش خبری را منع کند اما کدام عامل حکومتی می‌تواند چنین قوانینی را در مورد رسانه‌های چاپی اعمال کند؟ حال آنکه کمیسیون ارتباطات فدرال ناظر بر فعالیت روزنامه‌ها نیست.

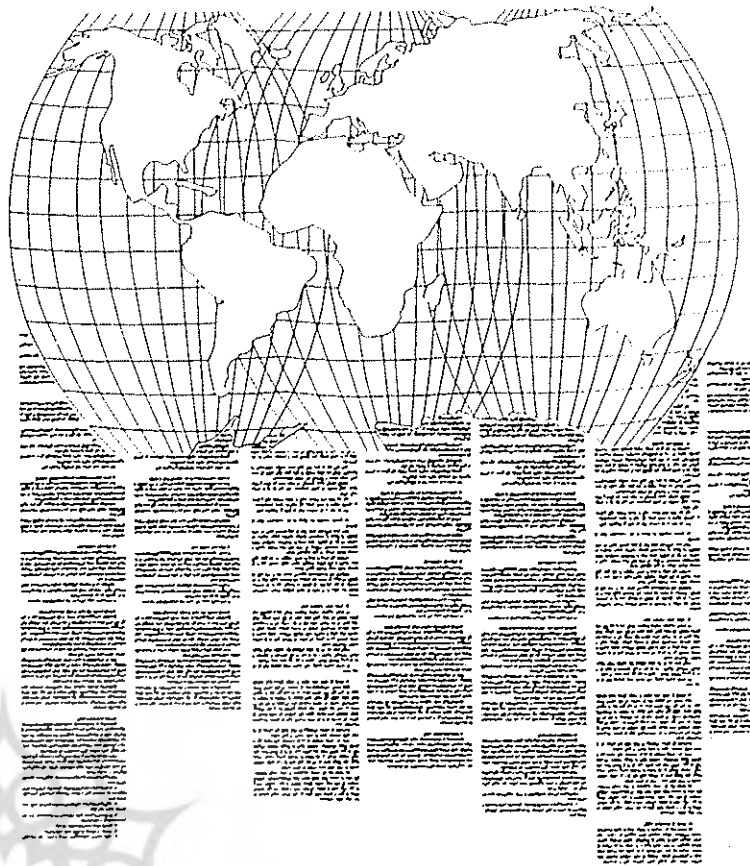
خبرپراکنی: سیدنی هد

تاکنون هیچیک از نشانه‌شناسیهای مختلف موجود، اختلافات میان خبرپراکنی و رسانه‌های چاپی را که در کشورهای بجز ایالات متحده به چشم می‌خورد به‌طور جدی مورد توجه قرار نداده است. مفهومی که لوونشتاین مطرح کرد اشاره‌ای به وجود تمایز خبرپراکنی و رسانه‌های چاپی دارد اما تحلیل دقیقی در مورد آن صورت نگرفته است. الگوهای موجود را باید در میان کتب درسی خبرپراکنی جست زیرا که محققان ارتباط جمعی بین‌المللی هیچگونه توجهی به اختلافات موجود در این زمینه نداشته‌اند.

سیدنی هد، مؤلف کتاب نظامهای خبرپراکنی جهان (۱۹۸۵) الگوی ساده و مفیدی از روابط حکومت و رسانه‌ها در خبرپراکنی بین‌المللی ارائه می‌دهد. وی به این نکته توجه می‌کند که هرچند که ایالات متحده و بریتانیا به‌عنوان دو نمونه از دموکراسی غربی رابطه تنگاتنگ با یکدیگر دارند. اما هریک از آنها «شیوه‌های کاملاً متفاوتی را در برخورد با مارکسیسم و نظارت حقوقی بر نظامهای خبرپراکنی» در پیش گرفته است و شوروی نیز از الگوی دیگری تبعیت می‌کند. طبق نوشته هد، در الگوی ایالات متحده فعالیت و مالکیت بنگاههای خبری به بخش تجارت آزاد واگذار می‌شود و در الگوی بریتانیا، مالکیت انحصاری و کنترل ایستگاههای کشور متعلق به شرکتی دولتی است و بالاخره مالکیت و کنترل در شوروی در چارچوب حکومت حفظ می‌شود. هد، نظامهای ایالات متحده، بریتانیا، و شوروی را به ترتیب مجاز، پدران و استبدادی می‌نامد و می‌گوید که نظام و شیوه مجاز متکی بر نیروهای بازار و خواسته‌های مشتری است، اما نظام پدران قائل به قدرت نیروهای بازار نیست و نیاز مشتری را به جای امیال او مورد تأکید قرار می‌دهد و مانع تسلط حکومت یا آگهی‌دهندگان می‌شود. در نظام استبدادی، نیروهای بازار و سلیقه‌های مشتری به حداقل می‌رسند و در عین حال مقرراتی مطابق با اصول عقاید رسمی اعمال می‌شود.

هد با استفاده از ارقامی که یونسکو در سال ۱۹۸۲ منتشر کرد درصد مالکیت ۱۸۴ نظام رادیویی و ۱۳۱ نظام تلویزیونی را در طبقه‌بندیهای مزبور بدین ترتیب محاسبه کرد: ۴۹ درصد از نظامهای رادیویی متعلق به حکومت، ۲۱ درصد متعلق به شرکتی دولتی، و ۲۱ درصد متعلق به





تلویزیونی اروپا، ایالات متحده و تعداد محدودی از کشورهای دیگر قادر به تأمین سرمایه اصلی اخبار بین‌المللی هستند، در حالیکه بنگاههای خبری ملی کشورهای کوچکتر و فقیرتر در عمل با محدودیتهای فراوان روبه‌رو هستند. به همین ترتیب، صاحبان ایستگاههای رادیویی کوچک در امریکای لاتین از بسیاری از خدمات اخبار بین‌المللی بی‌بهره‌اند. در نهایت، حتی در صورت دستیابی گردانندگان رسانه‌های جمعی سرتاسر جهان به اخبار بین‌المللی موردنظر، باز هم بسیاری از افراد جمعیت ۵ میلیاردی جهان نمی‌توانند به این خبرها دسترسی یابند. اشتراک سالانه یک روزنامه ممکن است برابر کل درآمد ماهانه یک کارمند بنگلادشی باشد. خرید یک دستگاه تلویزیون برای بخش عمده‌ای از جمعیت جهان غیرممکن است. مردم بسیاری از کشورها با خرید یک رادیوی ترانزیستوری احساس خوشبختی می‌کنند، هزینه‌های خرید و نصب سیمهای مسی تلفن برای احداث شبکه‌های جدید مخابرات در هند بقدری سنگین هستند که برخورداری از آن خدمات مخابرات را عملاً نامیسر می‌سازد. از این رو ارائه اخبار و اطلاعات به اکثریت افراد جهان، حتی در صورت مفید و مؤثر بودن محتوای اطلاعاتی، با مسائل عدیده مواجه است.

یکی دیگر از مشکلات جریان اخبار بین‌المللی، وجود حکومتهای متعددی است که اعتقادی به دسترسی آزادانه گردآورندگان خبر و یا شهروندان به اطلاعات ندارند. اینکه میلیونها نفر تحت سلطه حکومتهای مستبد زندگی کنند و تعداد معدودی از رهبران خودخواه به تعیین قواعد بازی بپردازند واقعیت تلخی است. حاکمان ظالم و مستبد تنها زمانی به انتشار اخبار و اطلاعات توجه می‌کنند که این اخبار و اطلاعات در جهت اهدافشان باشد. حتی در صورت اصلاح نظام ارتباطات بین‌المللی و تبدیل آن به نظامی سریع، کارآمد، و در دسترس عموم، با بار محتوایی مبتنی بر پایه نیازهای جهانی، تلاش جهت برخورداری هرچه بهتر از ارتباطات بین‌المللی بدون داشتن مطبوعات آزاد، قرین موفقیت نخواهد بود. با نزدیک شدن به قرن بیست و یکم، جریانات خبری و ارتباطات پیشرفته بین‌المللی چشم‌انداز مبهمی را به نمایش می‌گذارند. تاثیرات منفی این وضعیت عبارت است از: عدم توازن در منابع اقتصادی جهان در سطح کلان، بی‌ثباتی بسیاری از کشورهای نوپنیا و در حال توسعه، و رشد فوق‌العاده جمعیت که در بسیاری از کشورها افزون بر منابع موجود است. علاوه بر عوامل منفی مذکور می‌توان به فشار تکنولوژیهای پرهزینه بر کشورهای فقیرتر اشاره کرد. راه حل‌هایی که تکنولوژی برتر ارائه می‌کند ممکن است همواره پاسخگوی نیاز این کشورها نباشند، مثلاً مجهز ساختن سالن تحریریه به کامپیوتر و پایانه‌های نمایش ویدئو، چنانچه منجر به بیکاری کارمندان ماشین‌نویس شود، اندیشه مناسبی به شمار نمی‌رود. اگر گزارشگران خود به تایپ خبرها بپردازند، این کارمندان باید چه کاری انجام دهند؟ امروزه در بسیاری از کشورها هنوز می‌توان به مشاغل کاربر در سالنهای تحریریه برخورد. تکنولوژی نظامهای اقتصادی در حال رشد ممکن است بیشتر به ایجاد مشاغل بپردازد نه حذف مشاغل. اما آیا این امر در کشورهایی که دارای نرخ بیکاری ۴۰٪ هستند نیز صادق است؟ ■

ماهیت نظام- اعم از آزاد، کنترل شده یا ناپایدار- در وهله نخست با مسأله تصمیم‌گیری روبه‌رو می‌شوند. چنانچه تصمیمات روزنامه‌نگاران آگاه مبتنی بر ساختارهای نظری از قبیل نشانه‌شناسیهای ذکرشده در فوق نباشند، ساختارهای مزبور صرفاً حکم تمرینات و بازیهای فکری را خواهند داشت. اگرچه تلاش روزنامه‌نگاران در این زمینه تاحدودی به موفقیت می‌انجامد، اما مسائل سیاسی و فلسفی، و مهمتر از آن کمبود منابع مالی از هرسو بر آنان احاطه دارند.

چشم‌انداز

علی‌رغم وجود تکنولوژی انتقال کارآمد و سریع مقادیر انبوه خبر و اطلاعات، برای کشورهای «ندار» جهان فوق‌العاده مشکل است که با فعالیتهای ارتباطی کشورهای «دارا» همگام شوند، زیرا که این نوع تکنولوژیها غالباً بسیار گران هستند. کسب سود در عملیات ارتباطات تجاری مستلزم صرف هزینه‌ایست. اگر چه چنین شرکتی ممکن است به مسؤلیتهای اجتماعی خود بی‌تفاوت نباشد، لیکن اگر سودده نباشد موجودیت آن خاتمه می‌یابد. حتی اتحادیه‌های خبری غیرانتفاعی نظیر آسوشیتدپرس، بدون تضمین سود حداکثر اعضا نمی‌توانند به سرمایه‌گذاری در فعالیتهای خود بپردازند. مشترکین روزنامه‌ها باید وجه خدمات را بپردازند و به تناسب میزان پرداخت از خدمات ارتباطی برخوردار می‌شوند. به همین دلیل روزنامه‌ها و ایستگاههای رادیویی و



اطلاع رسانی و روزنامه نگاری در اروپا

توافق هلسنیکی: «سبد» سوم

• یونس شکرخواه

در سبد سوم
سند نهایی کنفرانس امنیت و
همکاری اروپا، که به توافق اول
اوت ۱۹۷۵ هلسنیکی معروف شد،
به نحوه همکاری متقابل
برای ارتقای اقدامات انسانی
مشتمل بر حقوق بشر، فرهنگ،
آموزش، رفت و آمد آزاد مردم،
و جریان آزاد عقاید و اطلاعات
در سراسر اروپا پرداخته شده است.

کنفرانس امنیت و همکاری اروپا (CSCE) در سال ۱۹۷۵ در شهر هلسنیکی فنلاند برگزار شد. این کنفرانس که در سال ۱۹۷۲ بدو سیله شوروی سابق پیشنهاد شده بود، در سال ۱۹۷۳ پی ریزی گردید و در سال ۱۹۷۵، با حضور نمایندگان ۳۵ کشور تشکیل شد. هدف کنفرانس هلسنیکی ایجاد صلح و ثبات میان شرق و غرب اروپا بود. در این نشست که با حضور اعضای پیمانهای «ناتو» و «ورشو» تشکیل شد سیزده کشور بی طرف اروپایی نیز حضور داشتند.

اهمیت کنفرانس هلسنیکی در این بود که کاهش خصومت های شرق و غرب را از طریق جلب توافق طرف های اروپایی و آمریکا در پذیرش اوضاع پس از جنگ دوم جهانی ترغیب می کرد. هدف دیگر کنفرانس ارتقای برنامه های همکاری میان دولت های اروپایی بود. در این کنفرانس نهایتاً سندی در اول اوت ۱۹۷۵ به امضا رسید که به «توافق هلسنیکی» معروف شد و از چهار بخش تشکیل شده که هر بخش نام یک «سبد» را به خود گرفته است: سبد اول: به مسائل مربوط به امنیت اروپا مشتمل بر اصول پایه ای مناسبات دولتها و مسایل مربوط به ایجاد اعتماد متقابل پرداخت.

سبد دوم: به همکاری در عرصه های اقتصادی، علمی، تکنولوژیک و زیست محیطی مربوط است.

سبد سوم: به نحوه همکاری متقابل برای ارتقای اقدامات انسانی، مشتمل بر حقوق بشر، فرهنگ، آموزش، جریان آزاد مردم، عقاید و اطلاعات در سراسر اروپا ارتباط دارد. سبد چهارم: تشکیل کنفرانس های بازبینی را برای «استمرار فرایندهای چند جانبه ناشی از کنفرانس» توصیه کرد که این کنفرانسها در سالهای ۱۹۷۷ در بلگراد، ۱۹۸۰ در مادرید، ۱۹۸۷ در وین، ۱۹۹۰ در پاریس و ۱۹۹۲ در هلسنیکی برگزار شدند.

در باره سند نهایی کنفرانس ۱۹۷۵ امنیت و همکاری اروپا باید گفت که اگر چه این سند صرفاً یک توافق دیپلماتیک بود و به پیمان تبدیل نشد - و در نتیجه از لحاظ حقوق بین المللی الزام آور نیست - اما توقعات خاص خود را ایجاد کرد.

در مطلبی که در پی می آید محورهای «سبد سوم» توافق هلسنیکی در بخش انسانی بررسی شده اند. این بخش که از جنبه حقوقی و تاریخی حائز اهمیت شایان است، سیاست های مربوط به اطلاع رسانی را در بخش های شفاهی، نوشتاری، فیلم، سخن پراکنی، همکاری های اطلاعاتی و بهبود شرایط کاری روزنامه نگاران مشخص می سازد. این سیاستها سنگ پایه سیاست های کنونی اروپا را تشکیل می دهد.

سبد سؤم هلسینکی سیاستهای مربوط به اطلاع‌رسانی را در بخشهای شفاهی، نوشتاری، فیلم، سخن‌پراکنی، همکاریهای اطلاعاتی و بهبود شرایط کاری روزنامه‌نگاران مشخص می‌سازد.



۲. اطلاعات نوشتاری

تسهیل بهبود روال پخش روزنامه‌ها و انتشارات، نشریات ادواری و غیر ادواری کشورهای عضو در قلمرو خود و دیگران به این منظور که:

به تشویق شرکتها و سازمانهای صلاحیتدار خود بپردازند تا توافق‌نامه‌ها و قراردادهایی را تنظیم کنند که هدف آنها افزایش تدریجی میزان و تعداد عناوین روزنامه‌ها و انتشارات وارداتی از سایر کشورهای عضو است. این توافق‌نامه‌ها و قراردادهای باید به‌طور مشخص سریعترین شرایط تحویل و کاربرد مجاری عادی موجود در هر کشور را برای توزیع انتشارات و روزنامه‌ها و همچنین نحوه پرداخت و راههای آن را میان طرفین مشخص سازد و به این ترتیب، دستیابی به اهداف مطرح شده در قراردادهای و توافقها را امکان‌پذیر سازند.

آنان در هر جا که ضرورت ایجاد کند، در راه نیل به این اهداف و اجرای پیش‌بینیهای مطرح شده در توافقها و قراردادهای، اقدامات مقتضی را انجام خواهند داد.

کمک به بهبود امر دسترسی عامه به نشریات ادواری، غیرادواری و انتشارات وارداتی بر مبنای موارد مصرحه فوق و به‌ویژه اینکه:

آنان افزایش تعداد اماکنی را که نشریات در آنها به فروش می‌رسند، تشویق خواهند کرد؛ دسترسی به نشریات ادواری را حین برپایی کنگره‌ها، کنفرانسها و دیدارهای رسمی و در خلال سایر رویدادهای بین‌المللی و همچنین دسترسی جهانگردان را به این نشریات تسهیل خواهند کرد؛

امکانات اشتراک را بر حسب هنجارهای هر کشور در این زمینه توسعه خواهند داد؛
فرصتهای مطالعه و مطالبه این نشریات را در کتابخانه‌های عمومی، تالارهای مطالعه و

ما معتقدیم که این همکاری باید با احترام کامل به اصول راهنمای مناسبات دولتهای عضو که در بند مربوط مطرح شده است، توأم باشد. بنابراین موارد ذیل را تصویب کرده‌ایم:

اطلاعات

با اطلاع از ضرورت دانش و درک گسترده‌تر جنبه‌های گوناگون زندگی در قلمرو سایر دولتهای عضو با تصریح نقش این فرایند در رشد اعتماد مردم با آرزوی توسعه درک متقابل میان دولتهای عضو و آرزوی بهبود هرچه بیشتر مناسبات آنها و تداوم تلاشهای بیشتر در زمینه پیشرفت در این عرصه، و با به رسمیت شناختن اهمیت نشر اطلاعات از سوی سایر دولتهای عضو و آشنایی بیشتر با چنین اطلاعاتی، تأکید می‌کنیم بر نقش اساسی و پرنفوذ مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سینما و خبرگزاریها و روزنامه‌نگاری که در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند.

روزنامه‌نگاری که هدف خود را تسهیل اشاعه آزادتر و گسترده‌تر همه نوع اطلاعات قرار داده‌اند تا همکاری در زمینه اطلاعات و تبادل آن را با سایر کشورها ترغیب کنند و شرایطی را که تحت آنها روزنامه‌نگاران کشورهای عضو در کشورهای یکدیگر به فعالیت می‌پردازند، بهبود بخشند، و نیت خود را مشخصاً چنین بیان داشته‌اند:

الف. بهبود روند گردش اطلاعات، دسترسی به اطلاعات و تبادل آن.

۱. اطلاعات شفاهی

تسهیل امر اشاعه اطلاعات شفاهی از طریق ترغیب به سخنرانی و تورهای خطابه‌ای به وسیله مقامات و متخصصان کشورهای عضو، و همچنین تبادل آرا در میزگردها، سمینارها، سمپوزیومها، مدارس تابستانی، کنگره‌ها و سایر نشستهای دوجانبه و چندجانبه.



سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری اروپا - هلسینکی (اول اوت ۱۹۷۵)

● همکاری در زمینه انسانی و قلمروهای مربوط به آن.

ما، دولتهای شرکت‌کننده در این کنفرانس، با آرزوی مساعدت در امر تحکیم صلح و تفاهم میان ملتها و غنای معنوی شخصیت انسانی صرف‌نظر از نژاد، جنس، زبان یا مذهب، و با اطلاع از اینکه تبادل فزاینده فرهنگی و آموزشی، نشر گسترده‌تر اطلاعات، تماسهای مردم با یکدیگر و حل مشکلات انسانی، به نیل به این اهداف کمک می‌کند.

مصمم هستیم که صرف‌نظر از نظامهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی با همکاریهای فیما بین در زمینه‌های مذکور در فوق شرایط بهتری ایجاد کنیم تا نحوه همکاریهای موجود را توسعه و تحکیم بخشیم و شیوه‌های نوین و ابزارهای مقتضی نیل به این اهداف را بیابیم.

همچنین در کتابخانه‌های دانشگاهی گسترش خواهند داد؛

امکانات آشنایی با بولتنهای رسمی اطلاع‌رسان را که به وسیله هیاتهای دیپلماتیک منتشر می‌شود و به وسیله ایشان برمبنای ترتیبات مقبول برای علاقه‌مندان توزیع می‌شود، فراهم خواهند ساخت.

۳. اطلاعات در قالب فیلم و سخن‌پراکنی ارتقای وضعیت اشاعه اطلاعات در قالب تدوین فیلم و انجام سخنرانی با این هدف که: امکانات نمایش و پخش اطلاعاتی را که در قالب فیلم و یا صدا ضبط شده‌اند، در کشورهای عضو گسترده‌تر خواهند ساخت و جنبه‌های گوناگون زندگی در کشورهای خود را به تصویر خواهند کشید و برمبنای توافقات و ترتیبات ضروری میان سازمانها و شرکتهای ذینفع دریافت خواهند کرد؛
واردات نوارهای پرشده دیداری - شنیداری را از کشورهای عضو، به وسیله سازمانهای ذیربط تسهیل خواهند کرد؛
دولتهای عضو بر گسترش اشاعه اطلاعات از طریق رادیو تأکید می‌ورزند و ابراز امیدواری می‌کنند که این فرایند استمرار داشته باشد تا علایق و درک متقابل مردم که از اهداف کنفرانس است، افزایش یابد.

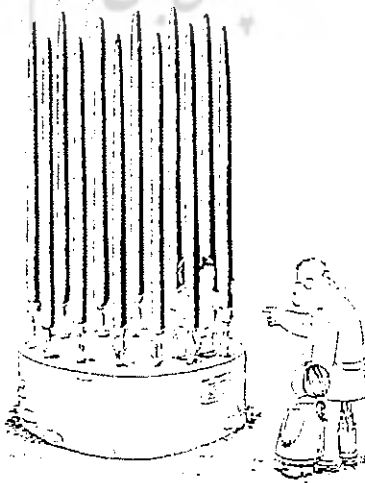
ب. همکاری در زمینه اطلاعات
ترغیب همکاری در زمینه اطلاعات برمبنای توافقات کوتاه‌مدت و بلند مدت به‌ویژه اینکه این کشورها؛
برای همکاری فزاینده میان سازمانهای وسایل ارتباط جمعی مشتمل بر خبرگزاریها و همچنین میان مؤسسات انتشاراتی و سازمانها اهمیت قابل خواهند شد؛
به همکاری میان سازمانهای رادیویی و تلویزیونی اعم از ملی یا بین‌المللی و یا خصوصی یا دولتی کمک خواهند کرد به‌ویژه از طریق تبادل برنامه‌های زنده و یا ضبط شده رادیویی و تلویزیونی و یا از طریق تولید مشترک پخش و توزیع این گونه برنامه‌ها؛
برقراری تماسها و یا برپایی نشستهای میان سازمانهای روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران کشورهای عضو را ترغیب خواهند کرد؛

به منظور تبادل مقاله و یا انتشار مقاله به امر تقویت ترتیبات مربوط به نشریات ادواری و همچنین به ایجاد ارتباط میان روزنامه‌های کشورهای عضو با دیده مثبت می‌نگرند؛
تبادل اطلاعات فنی و همچنین سازماندهی پژوهشها و نشستهای مشترک را که در چارچوب تبادل تجارب و دیدگاههای کارشناسان تلویزیون، رادیو و مطبوعات انجام می‌گیرد، تشویق خواهند کرد.

پ. بهبود شرایط کاری روزنامه‌نگاران
کشورهای عضو مایلند که شرایط کاری روزنامه‌نگاران را در کشورهای یکدیگر برای انجام امور محوله به روزنامه‌نگاران بهبود بخشند. آنها مصمم هستند که به‌ویژه:
با روحیه مناسب و در زمان منطقی و مقتضی به درخواستهای روزنامه‌نگاران برای ویزا، پاسخ مثبت دهند؛

برای مدتهای معین برای روزنامه‌نگاران اکر دیته کشورهای عضو، بر پایه ترتیبات موجود، روادید ورودها و خروجهای متعدد صادر کنند؛
صدور اجازه اقامت موقت برای روزنامه‌نگاران اکر دیته کشورهای عضو را در کشورهای خودشان و همچنین در صورت ضرورت، صدور مجوز مشابه برای روزنامه‌نگاران روزنامه‌های رسمی را که نیاز به چنین اقامتهایی دارند، تسهیل نمایند؛

به‌طور دوجانبه، رویه‌های لازم برای مسافرت روزنامه‌نگاران کشورهای عضو را به کشورهایهایی که باید در آنجاها به فعالیت بپردازند، تسهیل کنند و به‌طور فزاینده‌ای



موقعیتهای لازم برای این سفرها را بادر نظر گرفتن مقررات مربوط به مناطق ممنوعه از نظر امنیتی، فراهم سازند؛
این اطمینان را بدهند که به این‌گونه درخواستهای روزنامه‌نگاران برای تحقق چنین سفرهایی، تا حد امکان در اسرع وقت پاسخ مسمی دهند و زمان درخواست را در نظر می‌گیرند؛

فرصتهای روزنامه‌نگاران کشورهای عضو را برای ارتباط شخصی با منابع (خبری) خود، مشتمل بر سازمانها و نهادهای رسمی، افزایش دهند؛

به روزنامه‌نگاران کشورهای عضو حق وارد کردن تجهیزات فنی (شامل امکانات عکسبرداری، فیلمبرداری، ضبط صوت و رادیو و تلویزیون) را که برای انجام وظیفه ضروری است، بدهند، مشروط بر اینکه دوباره این تجهیزات فنی را بازگردانند؛^۱

این امکان را برای روزنامه‌نگاران کشورهای عضو فراهم سازند تا روزنامه‌نگاران ثابت و یا اعزامی کشورها با وسایلی که برای کشورهای عضو شناخته شده هستند، به‌طور عادی و با سرعت بتوانند حاصل فعالیت حرفه‌ای خود را در قالب نوار کاست و یا فیلم خام به منظور نشر یا پخش رادیویی و تلویزیونی برای سازمانهای اطلاع‌رسان خود ارسال کنند. دولتهای عضو بر این نکته تأکید می‌ورزند که پیگیری مشروع فعالیتهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، آنان را در معرض خطر اخراج و یا مجازات قرار نخواهد داد. اگر یک روزنامه‌نگار اکر دیته اخراج شود، دلایل اخراج به وی اعلام می‌شود و اعلامیه تجدیدنظر درباره موضوع نیز به او داده خواهد شد.

حاشیه:

۱. این گزارش از منبع زیر برگرفته شده است:

Communication - Extracts from International Instruments, International Commission for the Study of Communication Problems, No.22, unesco publications, pp. 18-22.

۲. با تأکید بر این نکته که در بسیاری از موارد افراد بومی نیز به استخدام روزنامه‌نگاران خارجی درمی‌آیند، دولتهای عضو متذکر می‌شوند که پیش‌بینیهای مذکوره، با رعایت مقررات مقتضی، فقط در مورد روزنامه‌نگاران کشورهای عضو صدق می‌کند که به‌طور قانونی و حرفه‌ای به عنوان تکسین، عکاس یا فیلمبردار خبری، رادیویی، تلویزیونی و یا سینمایی فعالیت می‌کنند. ■